

سفال دوره شیماشکی در دره سیمره؛ بر اساس مطالعه موردی قلعه زینل و غارت مالگه

خداکرم مظاهری*

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد ایلام

بهرام کریمی

کارشناس ارشد تاریخ ایران، مدرس گروه معارف دانشگاه ایلام

(از ص ۱۲۹ تا ۱۴۸)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱۲/۱۱؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۳/۰۴/۳۰

چکیده

هدف این مقاله مطالعه، بررسی و معرفی سفال دوره شیماشکی در دره سیمره است. بررسی‌های باستان‌شناسی حاکی از اینست که در دوران مفرغ، سنت سفال منقوش گودین III در دره سیمره رواج داشته و تنها یک‌بار، در روند توسعه این نوع سنت سفالگری خلل ایجاد شده و آن، هم‌زمان با مرحله گودین III₄ است که در این زمان با نفوذ سفال دوره شیماشکی دشت شوشان در دره سیمره مواجه‌ایم و سفال‌های شاخص آن در بررسی‌های قلعه‌زینل و غارت‌مالگه گردآوری شده است. به احتمال بسیار گسترش سفال دوره شیماشکی تا دره سیمره، تحت‌تأثیر لشگرکشی‌های سلسله اور III رخ داده است. بعد از این مرحله، دوباره شاهد تداوم رواج سنت سفال منقوش گودین III در دره سیمره هستیم. روند توسعه سفال منقوش گودین III در دره سیمره، موجب تقویت نظر دانشمندانی می‌شود که معتقدند سرزمین شیماشکی در ارتفاعات شمال دشت شوشان قرار دارد، هرچند که نمی‌توان این موضوع را تنها با استفاده از داده‌های غیر مکتوب اثبات نمود.

واژه‌های کلیدی: دره سیمره، سفال، شیماشکی، اور III، گودین III

* نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: kh.mazaheri@yahoo.com

مقدمه

سنت سفال منقوش یکرنگ گودین III، مهم‌ترین سنت سفالگری زاگرس مرکزی در دوران مفرغ است که بیش از یک هزاره به طول انجامیده است. از نکات قابل توجه اینکه مواد فرهنگی مربوطه، به سرعت در سراسر این حوزه گسترش یافته است (Henrickson 1986, 1987 a & b). این دوره در تپه گودین کنگاور به هفت مرحله کوچک‌تر تقسیم شده که عبارت است از: III₁, III₂, P-III₂, III₃, III₄, III₅ و III₆ (Ibid 1991: 291). در این میان، مرحله P-III₂ (پس از III₂) تنها با توجه به سفال متمایز آن، به شکل یک مرحله مستقل معرفی شده، این در حالیست که مراحل دیگر گودین III با توجه به بقایای معماری، شناسایی و معرفی شده و هر کدام از این مراحل، بر خلاف مرحله P-III₂، از یک یا چند لایه معماری (جدول ۱) تشکیل شده است (Ibid 1987a: 214). از میان مراحل هفت‌گانه گودین III، دو مرحله III₁ و III₃ فقط در گودین شناخته شده و در محل‌های دیگر دارای مواد فرهنگی مرتبط با این زمان، قابل‌شناسایی نیست، که علت آن حجم کم مواد فرهنگی مکشوفه از این دو مرحله در گودین است که موجب شده تا این دو مرحله (برخلاف سایر مراحل گودین III) به طور کامل شناخته نشود (Ibid: 211 & 214). سایر مراحل گودین III (III₂, P-III₂, III₄, III₅ و III₆)، مراحل اصلی بوده و هم در تپه گودین و هم در سایر مناطق مختلف زاگرس مرکزی به خوبی شناسایی و مطالعه شده (Ibid 1986) و شکل توزیع سفال گودین III را در ۶ ناحیه جغرافیایی توضیح داده است (Ibid 1987a: 206).

دره سیمره، در جنوب شرق استان ایلام یکی از مناطق مهمی است که در سال‌های اخیر، بررسی‌های باستان‌شناسی نسبتاً دقیق و جامعی در محدوده آن انجام گرفته است (مظاهری، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۸ و شهبازی، ۱۳۸۵). در بررسی‌های دره سیمره، مشخص شد که برخلاف سایر مراحل گودین III، مواد فرهنگی مرحله III₄ در این دره دیده نمی‌شود و به جای آن، شاهد توسعه سنت سفال رایج در دشت‌های شوشان و میانرودان تا دره سیمره هستیم. این در حالیست که در همین زمان در دره رومشگان در فاصله حدوداً ۲۰ کیلومتری شمال دره سیمره، سفال مرحله گودین III₄ در چغاسبز به دست آمده است (Henrickson 1986: 14-15). مرحله III₄ هم‌زمان با دوره اور III و اوایل دوره ایسین- لارسا در میانرودان است. شیماشکی به شکل اتحادیه‌ای از چند قلمرو کوهستانی، برای اولین بار در این دوره در حکومت ایلام مطرح می‌شود (Ibid 23 & 24). این مرحله در دشت شوشان به نام دوره شیماشکی خوانده می‌شود. سفال‌های دوره شیماشکی شباهت‌ها و ارتباطات نزدیکی با مواد فرهنگی میانرودانی دوره اور III دارد (Carter 1991: 294). سفال دوره شیماشکی در شرایطی در دره سیمره پدیدار می‌شود که قبل و بعد از آن، سفال منقوش گودین III را داریم. در این مقاله می‌خواهیم به بررسی این موضوع و معرفی، مطالعه و تحلیل مواد فرهنگی آن بپردازیم.

سفال دوره شیماشکی

تاریخ فرهنگی و سیاسی ایلام باستان، به طور کلی، به دوران آغاز ایلامی (حدود ۲۶۰۰ - ۳۲۰۰ ق. م)، ایلام کهن (شامل: سلسله‌های اوان / حدود ۲۱۰۰ - ۲۶۰۰ ق. م، شیماشکی / حدود ۱۹۰۰ - ۲۱۰۰ ق. م؛ و سوکالماخ / حدود ۱۵۰۰ - ۱۹۰۰ ق. م)، ایلام میانه (حدود ۱۱۰۰ - ۱۴۵۰ ق. م) و ایلام جدید (حدود ۵۰۰ - ۷۵۰ ق. م) تقسیم‌بندی شده است

(علیزاده، ۱۳۷۱: ۷۸ و Carter 1980: 21 & tab.1). در این میان، واژه «شیماشکی» علاوه بر نام بخشی از دوره تاریخی ایلام کهن، نام یک منطقه خاص جغرافیایی نیز محسوب می‌شود (نیکنامی و رفیعی علوی، ۱۳۸۸: ۲۰۰).

در باستان‌شناسی شوشان دوره شیماشکی همان شوش V است و سفال لایه‌های ۳ - ۶ شهر شاهی I به این مرحله تعلق دارد که به چند گروه گونه‌شناسی شده است (Carter 1980: 28). سفال‌های نخودی غیرمنقوش با شاموت ماسه، مواد گیاهی و شن نرم از مشخصه‌های سفال‌های مکشوفه از طبقات ۳ - ۶ شهر شاهی I است. استفاده از نوارهای برجسته یا نوارهای برجسته مزین به نقوش فشار انگشتی، عمومی‌ترین شکل تزئینی است که در این مرحله یافت شده است. نوارهای برجسته را یا به تنهایی یا به شکل ترکیب چندتایی به کار برده‌اند. همچنین نوارهای کنده روی شانه سبوها، نسبتاً فراوان استفاده شده است (Ibid 1979: 453).

نوارهای برجسته با نقوش فشار انگشتی و نوارهای برجسته ساده، رایج‌ترین روش تزئینی مورد استفاده سفالگران اواخر هزاره سوم و اوایل هزاره دوم ق.م است. این تکنیک، به ویژه در لایه‌های ۵ - ۶ (مرحله V_A) شهر شاهی I استفاده شده است. در لایه‌های ۳ - ۴ (مرحله V_B) نوارهای کنده روی شانه سبوها به عنوان یک شکل تزئینی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Ibid 1980: 30). سه شکل شاخصی که در بین سفال‌های این مرحله شهر شاهی I دیده می‌شود عبارتند از: کاسه‌های با لبه عمودی و نوار فرو رفته زیر لبه (Upright- Indented- Band-rim)، سبوهای با زاویه مضاعف (Double Angled) و سبوهای با لبه‌های سنگین شیاردار (Thickened grooved rim) (Ibid, figs. 41: 1-4, 46: 1-12 & 50: 2, 5 & 9). از این دوره فقط قطعه سفال‌های منقوش پراکنده‌ای یافت شده است. ساخت کاسه‌های مخروطی در لایه‌های ۶ - ۵ تداوم می‌یابد، اما تعدادشان کم می‌شود و به تدریج کاسه‌های نیم‌دایره‌ای و کاسه‌های با لبه عمودی دارای نوار فرو رفته زیر لبه، جایگزین کاسه‌های مخروطی می‌گردد. سبوهای با زاویه مضاعف در لایه ۶ ظاهر می‌شود و تولید این نوع سبوها در لایه‌های ۳ - ۴ رواج می‌یابد. تولید سبوهای با شانه‌های دارای نوارهای برآمده که در لایه‌های ۸ - ۷ رواج داشت، در لایه‌های ۶ - ۵ نیز تداوم می‌یابد، لیکن از لایه‌های ۳ - ۴ یافت نشده است. قسمت عمده مطالعات مقایسه‌ای روی سفال لایه‌های این دوره شهر شاهی I، با نمونه‌های میانرودانی و نیز با یافته‌های شهر شاهی VI - BVII، نشان‌دهنده یک گستره تاریخی مابین ۱۹۰۰ - ۲۲۰۰ ق.م برای لایه‌های ۳ - ۶ است. مهرها و کتیبه‌های مکشوفه از طبقات ۳ - ۴ نیز این تاریخ‌گذاری را تأیید می‌نماید (Ibid 1979: 453-454). کاسه‌های با لبه عمودی دارای نوار فرو رفته در زیر لبه، یکی از شاخص‌ترین گونه‌های ظروف سفالی اواخر هزاره سوم و اوایل هزاره دوم ق.م در میانرودان است (Ibid 1980: 30). در مرحله سوکالماخ، کاسه‌های با لبه عمودی دارای نوار فرو رفته در زیر لبه ناپدید می‌گردد (Ibid 1991: 294). سفال این مرحله شهر شاهی I با سفال شناخته شده در شهر شاهی VI - BVII در شوش و سفال لایه‌هایی که به دوره‌های اور III و ایسین لارسا در میانرودان تاریخ‌گذاری شده است، شباهت نزدیکی دارد (کارتر، ۱۳۷۶: ۷۷). در کاوش‌های تپه فرخ‌آباد دهلران نیز مجموعه مهمی از سفال‌های دوره شیماشکی به دست آمده است (Wright 1981: 201 & fig. 84). امروزه با کاوش‌هایی که در شوش و فرخ‌آباد و سایر نقاط هم‌زمان صورت پذیرفته، شناخت نسبتاً مناسبی در خصوص سفال دوره شیماشکی داریم.

دره سیمره و نفوذ سفال دوره شیماشکی

دره سیمره، جنوبی‌ترین دره منطقه پیش‌کوه (محدوده جغرافیایی مابین کبیرکوه در غرب و سفیدکوه در شرق) است. قسمت اعظم محدوده جغرافیایی دره سیمره، در بخش مرکزی شهرستان دره‌شهر (در جنوب شرق استان ایلام) واقع است. این دره، در موقعیت ۰۵/۰۰ : ۳۳ تا ۱۲/۳۰ : ۳۳ عرض جغرافیایی و ۰۰/۱۲ : ۴۷ تا ۳۰/۲۷ : ۴۷ طول جغرافیایی قرار دارد. طول دره، در حدود ۳۰ کیلومتر و عرض (شمالی - جنوبی) آن مابین رشته‌جبال کبیرکوه در جنوب و رودخانه سیمره در شمال، مابین ۱۰-۱ کیلومتر متغیر است. این دره در دامنه‌های شمالی کبیرکوه قرار دارد. از نکات قابل توجه این است که مهم‌ترین معابر کبیرکوه در امتداد دره سیمره واقع است. در طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۴ ه.ش. سه فصل بررسی باستان‌شناسی در حوزه دره سیمره انجام شده است. فصل اول، بر نیمه غربی دره سیمره متمرکز گردید (شهبازی، ۱۳۸۵). فصل دوم، نیمه شرقی حوزه دره سیمره را پوشش داد (مظاهری، ۱۳۸۵). فصل سوم، با هدف بازنگری محل‌های دوران مفرغ دره سیمره که در جریان دو فصل قبلی شناسایی شده بود، انجام گرفت (همان، ۱۳۸۸). در جریان بررسی‌های مذکور در مجموع در ۴ محل آثار فرهنگی دوره شیماشکی یافت شد که می‌توان آنها را به دو گروه تقسیم نمود: گروه اول شامل تپه‌های غارت‌مالگه و قلعه‌زینل می‌شود که هر دو استقرارهای دائمی هستند و در محدوده حوزه دره سیمره، در میان اراضی زراعی امروزی، مجاور هم، در مرکز دشت زرین‌دشت و در موقعیتی سوق‌الجیشی مشرف به محل تلاقی رود سیکان و رودخانه سیمره، شکل گرفته است.

گروه دوم، غارهای مربردبله باجگیر ۱ و مرگوارپهن است که هر دوی آنها خارج از حوزه دره سیمره و در امتداد تنگه زرانگوش واقع است (همان: ۲۸۳). تنگه زرانگوش، یکی از معابر مهم کبیرکوه است که هرساله عشایر کوچ‌نشین از این معبر برای عبور از کبیرکوه و حرکت به سمت مراتع قشلاقی پشت‌کوه و شمال خوزستان استفاده می‌کنند (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۵: ۱۵-۱۸). در این تحقیق از یافته‌های گروه دوم به این علت که خارج از محدوده دره سیمره واقع است و در واقع، استقرارهای فصلی مرتبط با زندگی کوچ‌نشینی است، صرف‌نظر شده و به صورت موردی یافته‌های بررسی تپه‌های غارت‌مالگه و قلعه‌زینل را مورد مطالعه قرار می‌دهیم. در ادامه در راستای بررسی و مطالعه سفال دوره شیماشکی در دره سیمره، به معرفی دو محل مذکور می‌پردازیم (تصویر ۱ و نقشه ۱).

۱- قلعه‌زینل

مشخصات کلی: تپه قلعه‌زینل در فاصله‌ای در حدود ۵۰۰ متری جنوب روستای الیاس‌آباد (چم‌کلان) از توابع دهستان زرین‌دشت واقع است. این تپه، در بخش پست قسمت مرکزی دره سیمره و ۵۰۰ متری جنوب رودخانه سیمره قرار دارد. رودخانه سیکان نیز در دامنه غربی تپه جاری است. این تپه، در موقعیت سوق-الجیشی و مشرف به محل تلاقی دو رودخانه سیکان و سیمره واقع است. قلعه‌زینل نام خود را از یکی از خوانین محلی به نام «زینل خان کلانتر» که در دوره پهلوی اول اقدام به ساخت یک قلعه خشتی بر روی تپه نموده، گرفته است. درون دیوارهای قلعه که از خشت خام ساخته شده، به وفور قطعات سفالینه در ملاط خشت‌ها دیده می‌شود که بیانگر استفاده از خاک تپه برای احداث آن قلعه است. عرض شمالی - جنوبی تپه حدوداً ۳۰۰ متر و طول شرقی - غربی آن ۲۰۰ متر است و نزدیک به ۱۵ متر نسبت به زمین‌های اطراف ارتفاع

دارد. مساحت تپه ۶ هکتار بوده و بزرگ‌ترین تپه باستانی دره سیمره است. سطح تپه نسبتاً هموار بوده و امروزه رأس تپه و پیرامون آن به طور کامل، زیر کشت می‌رود. به خاطر ارتفاع نسبتاً زیاد تپه نسبت به اراضی پیرامون، دامنه‌های آن شیب نسبتاً تندی به سمت زمین‌های اطراف دارد.

اورل اشتاین از این تپه بازدید نموده و گزارش وی چنین است:

«نه چندان دور از خمیدگی رودخانه سیمره در این منطقه، یک تراس بند مرتفع وجود دارد. در حال حاضر ساختمان یک قلعه با دیوارهای خشتی به نام زینل یا قلعه صادق خان بر روی آن ساخته شده است. در دامنه‌های جنوبی قلعه برخی قطعات ظروف منقوش و مجموعه‌ای از ابزارهای سنگ چخماقی جمع‌آوری شد. پوشش گیاهی انبوه مانع بررسی بیشتر دامنه‌ها و رأس تپه گردید. این تراس که حدود ۵۰ فوت بلندی دارد، مسلماً دارای زیرساختی طبیعی است. بلندی و موقعیت بی‌نظیر آن، شرایط دفاعی بسیار مساعدی را فراهم کرده است. اما در میان لایه‌ها اثری از استقرارهای دائمی دوره‌های کهن یافت نشد» (Stein 1940: 210).

هیئت هلمز نیز قلعه زینل را با عنوان «تپه زینل خان کلانتر» بر روی نقشه باستان‌شناسی منطقه نشان داده است (Schmidt et al. 1989, vol. 2, pl. 5). هیئت مذکور از این تپه بازدید کرده و آن را بزرگ‌ترین تپه‌ای معرفی نموده که از دور دیده می‌شود و قلعه‌ای جدید روی آن واقع است، همچنین به تکه‌های سفال منقوش، سفال ساده قدیمی و سفال‌های دوره ساسانی در سطح تپه اشاره نموده‌اند (Ibid, vol.1:11). اشمیت در ۱۸ اکتبر ۱۹۳۵ بر فراز تپه پرواز داشته و در کتاب «پرواز بر فراز شهرهای ایران»، تصویری از آن ارائه نموده و چنین می‌نویسد:

«تپه کدخدا قلندر (=کلانتر) نام محوطه‌ای در بخش تحتانی مرکز تصویر ۵۴ است. این تپه بزرگ‌ترین تپه‌ای است که در طول پروازهای خود در لرستان دیدیم که در رأس هموار خود، حصار یک روستای امروزی را حمل می‌کرد. این تپه مسلماً مهم‌ترین محوطه باستانی در دره میانی سیمره است. شهر باستانی عیلامی ماداکتو در نقشه ایلام دومورگان و جورج. جی. کامرون که ضمیمه «تاریخ ایران باستان» است، در مجاورت تپه قلندر واقع شده است. به گفته کامرون طبق منابع مستند، ماداکتو، به وسیله رودخانه‌ای در دو جانب شهر مرزبندی شده است. عکس هوایی، خمی از سیمره را به فاصله‌ای از تپه و نه‌ری (رود سیکان) که به نحوی به آن مربوط است و فقط در مسیر یک حاشیه تپه جریان دارد، ثبت کرده است. به هر صورت، خواه این تپه، ماداکتو را در میان داشته باشد یا نه، موضوع ارزنده‌ای برای یک برنامه کاوش است» (اشمیت، ۱۳۷۶: ۱۱۸ و تصویر ۵۴).

این تپه در فصل اول با عنوان «تپه قلعه زینل» مورد بررسی قرار گرفت (شهبازی، ۱۳۸۵: ۷۲ - ۷۵) و در پی آن در سال ۱۳۸۵ با هدف بازنگری مواد فرهنگی دوران مفرغ که در فصل اول شناسایی شده بود، مجدداً بررسی شد (مظاهری، ۱۳۸۸: ۱۹۹ - ۲۰۸). متأسفانه هم در جریان مطالعات فصل اول و هم مطالعات فصل بازنگری، مالک زمین‌های کشاورزی سطح تپه، به همراه خانواده پرمعیت خود، با ایجاد درگیری و نزاع و مزاحمت‌هایی، مانع از بررسی دقیق و نمونه‌برداری مناسب از سطح تپه شدند (شهبازی، ۱۳۸۵: ۷۳ و مظاهری، ۱۳۸۸: ۲۰۰). در سطح و پیرامون قلعه زینل مواد فرهنگی گوناگون و متنوعی شامل قطعات سفال، ابزارهای سنگی، دست‌ابزارهای سنگی، قطعات ریز فلز، قطعات خشت و آجر، تکه‌های شیشه و تکه‌های پراکنده صدف دیده می‌شود. این مواد فرهنگی بیانگر وجود استقرارهایی از دوره‌های مس - سنگی، مفرغ، آهن III، پس از هخامنشی، اشکانی و اسلامی در این محل است (شهبازی، ۱۳۸۵: ۷۴).

گونه‌شناسی سفال‌ها: ۲۲ قطعه از نمونه سفال‌هایی که متعلق به دوران مفرغ بوده و در طی بررسی‌های قلعه‌زینل گردآوری شده، مورد مطالعه قرار گرفت. این نمونه‌ها از قسمت‌های مختلف تپه گردآوری شده است. به علت مشکلاتی که در جریان بررسی‌ها به وجود آمد؛ نمونه‌های مناسب و کافی از سطح تپه گردآوری نشد و بایستی اقرار نمود که هنوز این محل به طور کامل و دقیق بررسی نشده است (طرح ۱ و جدول ۲).

رنگ خمیره اکثر نمونه‌ها در طیفی از رنگ نخودی است. در میان مجموعه، نمونه‌های با خمیره به رنگ قهوه‌ای تا قهوه‌ای روشن نیز وجود دارد. به ندرت، نمونه‌های با خمیره خاکستری نیز دیده می‌شود. خمیره چند مورد از نمونه‌ها نیز دود زده است. در ترکیب برخی از نمونه‌ها، مواد آهکی به صورت ذرات سفیدرنگ دیده می‌شود. همچنین بعضاً در ترکیب نمونه‌ها، ذرات طلائی‌رنگ دیده می‌شود که دارای جلای فلزی است. از ترکیب مواد معدنی و گیاهی و یا مواد معدنی به تنهایی به عنوان شاموت سفال‌ها استفاده شده است. جداره سفال‌ها صاف و هموار است. بر روی یک طرف یا هر دو سطح اکثر نمونه‌ها پوشش‌های گلی به کار رفته است. از نظر رنگ پوشش می‌توان سفال‌ها را به سه گروه تقسیم نمود؛ اول، سفال‌های با پوشش‌های گلی در طیفی از رنگ نخودی که در اکثریت است. گروه دوم سفال‌های دارای پوشش گلی غلیظ قرمز را شامل می‌شود (طرح ۱: ۱۶ و ۱۸) و گروه سوم سفال‌های با پوشش گلی خاکستری روشن است که به ندرت دیده می‌شود (طرح ۱: ۵). در میان مجموعه، هم نمونه‌های چرخ‌ساز و هم سفال‌های دست‌ساز دیده می‌شود. درجه حرارت مورد نیاز برای پخت سفال‌ها معمولاً مناسب بوده است و رنگ بافت اکثر نمونه‌ها یک‌دست است.

از روش‌های مختلف تزئینی، به تنهایی و یا به شکل ترکیبی استفاده شده است. باندها و نوارهای برجسته ساده (طرح ۱: ۸، ۱۳، ۱۶، ۲۱ و ۲۳) روی بدنه، شانه و مابین گردن و بدنه به کار رفته است. از نوارهای کنده مستقیم و یا موج‌دار افقی در زیر لبه، روی بدنه و یا زیر گردن ظروف استفاده شده است (طرح ۱: ۲، ۱۳ و ۲۲). بیشترین تزئیناتی که در میان نمونه‌ها دیده می‌شود، تزئینات منقوش است. اکثر تزئینات منقوش را نقوش نواری مستقیم یا موج‌دار افقی تشکیل می‌دهد که بر روی لبه، زیر لبه و یا روی بدنه نمونه‌ها نقش بسته است (طرح ۱: ۶، ۷، ۱۶، ۱۷ و ۱۹ - ۲۲). نقش بیشتر تزئینات منقوش در طیفی از رنگ قهوه‌ای است. همچنین نقوش به رنگ‌های سبز زیتونی، قرمز قهوه‌ای و قرمز نیز دیده می‌شود. تمام تزئینات منقوش، یک رنگ هستند. رنگ برخی از نقوش تا حدودی محو شده است.

در میان مجموعه گردآوری شده در بررسی قلعه‌زینل، سه گونه ظرف قابل تشخیص است که عبارت است از: کاسه‌ها، سبوها و یک مورد لیوان. کاسه‌ها را می‌توان براساس فرم لبه به سه گروه تقسیم نمود: کاسه با لبه ضخیم و دارای بدنه پیچیده (طرح ۱: ۱)، کاسه با لبه مستقیم یا تا حدودی مستقیم و دارای بدنه بیضوی (طرح ۱: ۲ و ۵) و کاسه با لبه عمودی و دارای نوار فرو رفته در زیر لبه (طرح ۱: ۳ و ۴).

سبوها را نیز می‌توان براساس شکل بدنه به سه گروه تقسیم نمود: سبوی با شانه زاویه‌دار و نوار برجسته روی زاویه (طرح ۱: ۱۱)، سبوی با بدنه کیسه‌ای شکل و دارای باند یا نوار برجسته روی شانه (طرح ۱: ۸ و ۱۶) و سبوی دارای یک باند برجسته مابین بدنه و گردن و نیز تزئینات کنده در زیر گردن (طرح ۱: ۱۳). علاوه بر این فرم‌ها، سبوی با لبه دارای شیارهای چندتایی (Multiple Grooved) نیز در میان مجموعه دیده می‌شود (طرح ۱: ۱۲)؛ این نوع سبوی یکی از گونه‌های شاخص ظروف دوره شیماشکی در خوزستان است (Carter 1991: 294). یکی نمونه دیگر از ظروفی که در این مجموعه دیده می‌شود، لیوان با بدنه منحنی شکل با تزئین نواری منقوش

است (طرح ۱: ۶)؛ این نوع ظرف یکی از گونه‌های شاخص مرحله گودین P-III₂ است (Henrickson 1987_b: 56-57). ساگرهای مزین به نقوش نواری از همان ظروف گونه‌خاور است (Ibid 1987_a: 213).

گاهنگاری مقایسه‌ای: سفال‌های دوران مفرغ قلعه‌زینل متعلق به دوره‌های مفرغ قدیم، میانه و جدید

هستند. بر اساس جداول گاهنگاری مورد استفاده کاوشگران هیئت هلمز به سرپرستی اریک اشمیت و کاوشگران هیئت بلژیکی به سرپرستی لویی واندنبرگ، می‌توان دوران مفرغ زاگرس مرکزی را به سه زیردوره تقسیم نمود: دوره مفرغ قدیم ۲۰۰۰-۳۲۰۰/۲۹۰۰ ق.م، دوره مفرغ میانه ۱۶۰۰-۲۰۰۰ ق.م؛ و دوره مفرغ جدید ۱۲۰۰ / ۱۳۰۰-۱۶۰۰ ق.م (Schmidt Haerinck & Overlaet 2006: fig. 34, Overlaet 2005, fig. 3). در این میان، همان‌گونه که کاوشگران هیئت هلمز نیز موضوع را به خوبی درک نموده‌اند، در تطبیق مراحل داخلی گودین III با زیردوره‌های دوران مفرغ (قدیم، میانی و جدید)، سفال مراحل گودین III₆₋₄ متعلق به دوره مفرغ قدیم، سفال گودین III₂ متعلق به دوره مفرغ میانه و سفال مرحله گودین P-III₂ (پس از III₂) متعلق به دوره مفرغ جدید است (Schmidt et al. 1989, Vol.1: 131-136 & 486-487). مهم‌ترین معیار مورد استناد برای انجام گاهنگاری‌های داخلی دوران مفرغ منطقه، شیوه تزئین و شکل سفالینه‌ها است. به طور مثال، در ارتباط با مطالعات هیئت هلمز در لرستان، با وجود این که به رنگ سطح، خمیره و نقوش سفال‌ها نیز توجه شده، با این حال فقط شکل ظروف و الگوهای تزئین ظروف است که به عنوان معیارهای اصلی برای شناسایی سفال‌های مراحل مختلف (قدیم، میانی و جدید) دوران مفرغ منطقه، مورد استناد قرار گرفته است (Ibid, vol.1:133 & 134). در دشت شوشان نیز مهم‌ترین معیار تشخیص مراحل مختلف شیماشکی، سوکالماخ، عیلام میانه I و عیلام میانه II-III شکل سفالینه‌هاست. در کنار این معیار، به مشخصه‌های دیگری مانند تزئینات برجسته یا کنده روی سفال نیز توجه شده است (Carter 1991: 294-295). در ارتباط با سنت سفال منقوش گودین III نیز، شکل ظروف و نقشمایه‌های روی سفال‌ها به عنوان معیار اصلی تاریخ‌گذاری به کار رفته است (Henrickson 1987_b: 40).

کاسه با لبه ضخیم و دارای بدنه پیچیده (طرح ۱: ۱) و کاسه با لبه مستقیم یا تا حدودی مستقیم و دارای بدنه‌ای بیضوی (طرح ۱: ۲ و ۵)، از ظروف شاخص مرحله گودین III₆ است. از این نوع ظروف به فراوانی در میان یافته‌های این مرحله تپه گودین، دیده می‌شود. این یافته‌ها هرچند تعدادشان محدود است، نشان‌دهنده این است که قلعه‌زینل دربرگیرنده آثار دوره مفرغ قدیم هم‌زمان با مرحله III₆ است. در جریان بررسی‌های این محل، تاکنون سفال‌های گونه مرحله گودین III₅ یافت نشده است، که به نظر می‌رسد علت اصلی آن، کیفیت بررسی‌ها و مشکلات به وجود آمده در جریان بررسی‌های این محل است.

کاسه با لبه عمودی و دارای نوار فرو رفته در زیر لبه (طرح ۱: ۳-۴)، سیوی با لبه دارای شیارهای چندتایی (طرح ۱: ۱۲) و سیوی دارای یک باند برجسته مابین گردن و بدنه و نیز تزئینات کنده در زیر گردن (طرح ۱: ۱۳)، از شکل‌های شاخصی است که به فراوانی در میان یافته‌های مکشوفه از لایه‌های ۳-۴ شهر شاهی I، طبقات BVI-BVII کارگاه B شهر شاهی و لایه‌های هم‌زمان با دوره سلسله اور III در آکروپل شوش دیده می‌شود. این سه گونه ظرف از گونه‌های شاخص دوره شیماشکی (گونه ۶، گونه ۱۵ و گونه ۱۸) است (Carter 1991: 294). مطالعات گونه‌شناسی و مقایسه‌ای حاکی از اینست که سفال‌های این گروه بیشترین شباهت را با سفال‌های مکشوفه از لایه‌های ۶-۳ شهر شاهی I (دوره V شوش)، سفال‌های مکشوفه از لایه‌های BVI-BVII کارگاه B

شهر شاهی، سفال‌های مکشوفه از نهشت‌های باستانی دوره اور III در آکروپل شوش، سفال‌های مکشوفه از لایه‌های دوره‌های اور III تا ایسین لارسا در نیپور و سفال‌های دوره‌های اور III تا ایسین لارسا در منطقه دیاله عراق دارد.

تعدادی از نمونه سفال‌ها به دوره مفرغ میانی تعلق داشته و هم‌زمان با مرحله گودین III₂ است. سبوه‌های با بدنه کیسه‌ای شکل و دارای باند یا نوار برجسته روی شانه (طرح ۱: ۸ و ۱۶)، هم‌زمان با مرحله III₂ پدیدار می‌شود. از دیگر سفال‌های شاخص این دوره، ظروف دارای پوشش گلی قرمز و منقوش با رنگ سیاه را می‌توان نام برد (طرح ۱: ۱۶)؛ این‌گونه سفال‌ها در میان یافته‌های مکشوفه از قبور چغاسبز و کمترلان II در دره رومشگان و یافته‌های به دست آمده از باباجان و تپه گیان به فراوانی دیده می‌شود، ولی در گودین نادر است و در ماهیدشت دیده نشده است (Henrickson 1986: 25 & 1987a: 211-212). مرحله گودین III₂ هم‌زمان با دوره سوکالمخ در شوش است (Ibid 1987a: 211).

در میان یافته‌های حاصل از بررسی قلعه‌زینل، هم نمونه سفال‌های مرتبط با مرحله گودین III₆ در زاگرس مرکزی و هم نمونه سفال‌های متعلق به دوره شیماشکی (۱۹۰۰-۲۱۰۰ ق. م) در دشت شوشان وجود دارد. گفتیم که قدمت مجموعه آثار فرهنگی گودین III₄ به دوره اور III و اوایل دوره ایسین-لارسا در میانرودان بر می‌گردد. بررسی‌های دره سیمره گویای اینست که با ظهور دوره اور III، این دره تحت نفوذ فرهنگ سرزمین‌های پست درمی‌آید؛ لذا مواد فرهنگی مرتبط با مرحله III₄ در این دره دیده نمی‌شود، و به جای آن مواد فرهنگی دوره شیماشکی رواج می‌یابد. به تدریج، با پایان هزاره سوم و آغاز هزاره دوم ق. م سنت سفالگری دره‌های زاگرس مرکزی دوباره به دره سیمره نفوذ نموده و جایگزین سفال‌های دوره شیماشکی می‌گردد، لذا بعد از دوره شیماشکی، دیگر سفال‌های دوره سوکالمخ را در دره سیمره نمی‌بینیم و مجدداً دره سیمره به سنت سفال منقوش گودین III که در ارتفاعات زاگرس مرکزی حاکمیت داشته، می‌پیوندد و بدین شکل در قلعه زینل بعد از سفال‌های دوره شیماشکی، سفال‌های گونه گودین III₂ را داریم.

تعدادی از سفال‌های قلعه‌زینل، به دوره مفرغ جدید تعلق دارد و از گونه سفال‌های گودین P-III₂ است. لیوان، با بدنه منحنی شکل و دارای تزئین نواری منقوش (طرح ۱: ۶)، یکی از فرم‌های شاخص این دوره است. به نظر می‌رسد که سفال‌های دارای کف دیسکی شکل (طرح ۱: ۹ و ۱۰) نیز به این مرحله تعلق داشته باشد. تزئینات منقوش طرح ۱: ۲۰، مشابه نقش‌مایه «چشم‌ها»، روی گردن پارچه‌های مکشوفه از دوره مفرغ جدید چغاسبز در رومشگان به نظر می‌رسد (Schmidt et al. 1989, vol.1: 132). در نتیجه، می‌توان گفت که قلعه‌زینل دربر گیرنده مواد فرهنگی دوران مفرغ شامل: مرحله گودین III₆، مرحله شیماشکی، و مراحل گودین III₂ و P-III₂ است.

۲- غارت‌مالگه

مشخصات کلی: تپه غارت‌مالگه در فاصله حدوداً ۷۰۰ متری شمال غرب روستای غارت‌مالگه از توابع دهستان زرین‌دشت و فاصله ۲۵۰ متری جنوب شرق قلعه‌زینل واقع است. این محل بر روی یک برجستگی طبیعی شکل گرفته است که نزدیک به ۱۰ متر از سطح اراضی پیرامون ارتفاع دارد. در سال‌های اخیر در رأس این تپه، یک گاوداری ساخته شده که در حال حاضر متروکه است. رودخانه سیکان از فاصله حدوداً ۴۰۰ متری

غرب آن و رودخانه سیمره از فاصله تقریبی ۸۰۰ متری شمال آن در جریان است. طول شرقی- غربی تپه ۱۲۰ متر و عرض شمالی- جنوبی آن نزدیک به ۶۰ متر است. سطح تپه از جهات شمال، جنوب و غرب شیب نسبتاً تندی به سمت اراضی زراعی پیرامون دارد. در قسمت‌هایی از تپه بقایای گاوداری متروکه‌ای پابرجاست، مابقی سطح آن به زیر کشت غلات می‌رود. جاده آسفالت‌دشت‌آباد- سرورآباد از غرب این محل و شرق قلعه‌زینل می‌گذرد. این تپه در طی فصل دوم بررسی و شناسایی دره سیمره، با عنوان «غارت مالگه ۲» شناسایی و مورد مطالعه قرار گرفت. در سطح آن فقط قطعات سفال پراکنده است (مظاهری، ۱۳۸۵: ۱۶۲ و ۱۳۸۸: ۱۹۴ - ۱۹۹). تمامی سفال‌های پراکنده در سطح آن از گونه سفال‌های دوره شیماشکی است.

گونه‌شناسی سفال‌ها: ۲۰ قطعه سفال از نمونه‌های گردآوری شده از سطح این محل، مورد مطالعه قرار گرفت (طرح ۲ و جدول ۳). رنگ خمیره اکثر سفال‌های مورد مطالعه در طیفی از رنگ نخودی است. خمیره یک نمونه نیز به رنگ قرمز است. چند نمونه نیز خمیره‌ای دود زده دارد. در ترکیب برخی از نمونه‌های این مجموعه، هم ذرات مواد آهکی و هم دانه‌های ریز شن دیده می‌شود. در بافت برخی از نمونه‌ها نیز ذرات طلائی‌رنگی مشاهده می‌گردد که جلای فلزی دارند. از نظر نوع شاموت استفاده شده، می‌توان سفال‌ها را به دو گروه تقسیم نمود: سفال‌هایی که دارای شاموت مواد معدنی هستند و سفال‌هایی که از ترکیب مواد معدنی و گیاهی برای شاموت آنها استفاده شده است. معمولاً جداره سفال‌ها صاف و هموار است. بعضاً بر روی جداره دو طرف برخی از نمونه‌ها نیز فرورفتگی‌ها یا برآمدگی‌هایی وجود دارد که در اثر فشار انگشتان دست سفالگر به شکل منظم ایجاد شده است. بر روی جداره تعدادی از نمونه‌ها نیز، مواد معدنی رسوب کرده است. در زیر سفال‌های دارای کف تخت، خطوط حلزونی‌شکلی ملاحظه می‌شود. برخی از ظروف زائده‌های برجسته‌ای هم در داخل و هم در زیر کف یا فقط در زیر کف دارد.

بر روی یک طرف یا هر دو سطح برخی از نمونه‌ها، پوشش‌های گلی روشن به کار رفته است که معمولاً در طیفی از رنگ‌های نخودی است. به نظر می‌رسد که پوشش برخی از نمونه‌ها به طور کامل ریخته شده است. بر روی بدنه برخی از نمونه‌ها نیز آثار صیقل با دست مرطوب دیده می‌شود. اکثر قطعات مورد مطالعه را سفال‌های دست‌ساز تشکیل می‌دهد و تعداد کمی از نمونه‌ها چرخ‌ساز است. درجه حرارت موردنیاز برای پخت سفال‌ها مناسب بوده و رنگ خمیره بیشتر سفال‌ها یکدست است.

با این که از روش‌های مختلف تزئینی به تنهایی یا به شکل ترکیبی استفاده شده، ولی عمومی‌ترین روش‌های مورد استفاده برای تزئین سفال‌ها، باندها و نوارهای برجسته و نوارهای کنده است. در میان مجموعه مورد مطالعه، نمونه‌های دارای نوارها و باندهای برجسته ساده (طرح ۲: ۴، ۶، ۸، ۹ و ۲۰)، باند برجسته مزین به نقوش فشار انگشتی (طرح ۲: ۱۹)، نوارهای کنده (طرح ۲: ۵ و ۷-۹) و تزئینات منقوش (طرح ۲: ۱) وجود دارد. تزئینات برجسته به صورت نوارهای افقی مستقیم، و تزئینات کنده به صورت نوارهای افقی مستقیم و موج‌دار هستند. باندهای برجسته مزین به نقوش فشار انگشتی و باندها و نوارهای برجسته ساده، عمومی‌ترین روش تزئینی مورد استفاده سفالگران اواخر هزاره سوم و اوایل هزاره دوم ق.م در سرزمین‌های پست، به ویژه دشت شوشان است (Carter 1980: 30). سفال‌های نخودی غیرمنقوش با شاموت ماسه، مواد گیاهی و شن، از مشخصه‌های سفال‌های مکشوفه از طبقات ۳-۶ (مراحل $V_A - B$ شوش) شهر شاهی I است. استفاده از نوارهای برجسته، باندهای برجسته یا باندهای برجسته مزین به نقوش فشار انگشتی، عمومی‌ترین روش تزئینی است

که در لایه‌های متعلق به این دوره شهر شاهی I یافت شده است. این نقوش یا به تنهایی یا به شکل ردیف‌های افقی چندتایی به کار رفته است. همچنین نوارهای کنده روی شانه سبوها، نسبتاً فراوان است. در این طبقات به ندرت سفال‌های منقوش یافت شده است (Ibid 1979: 453).

در میان سفال‌های غارت‌مالگه، دو گونه ظرف دیده می‌شود که عبارت است از کاسه‌ها و سبوها. براساس فرم لبه، کاسه‌ها را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود: کاسه با لبه عمودی و دارای نوار فرو رفته در زیر لبه که بیشترین تعداد را در میان مجموعه تشکیل می‌دهد (طرح ۲: ۱۰-۱۵ و ۱۷-۱۸) و کاسه بیضوی با لبه به بیرون برگشته (طرح ۲: ۱۶). سبوها را نیز می‌توان براساس فرم لبه به گروه‌هایی تقسیم نمود، به طور مثال: سبوی با لبه به بیرون پخ (طرح ۲: ۹)، سبوی دارای نوار برجسته در زیر لبه با مقطع مثلثی (طرح ۲: ۱) یا مقطع تا حدودی دوزنقه‌ای (طرح ۲: ۳) و سبوی با لبه دارای سطح تخت (طرح ۲: ۴). از جمله فرم‌های شاخص در میان سبوها، می‌توان به سبوهایی دارای نوارهای کنده روی شانه اشاره نمود (طرح ۲: ۵، ۹ و ۲۰)؛ همان‌طوری که پیش‌تر اشاره شد، نوارهای کنده روی شانه سبوها، در طبقات ۳-۶ شهر شاهی I عمومیت دارد. شاخص‌ترین فرم در میان این مجموعه، کاسه‌های با لبه عمودی و دارای نوار فرو رفته در زیر لبه، است. این‌گونه کاسه‌ها یکی از شاخص‌ترین گونه‌های ظروف سفالی اواخر هزاره سوم و اوایل هزاره دوم ق.م در دشت‌های میانرودان و شوشان است (Ibid 1980: 30)، که با آغاز مرحله سوکالماخ (۱۵۰۰/۱۶۰۰ - ۱۹۰۰ ق.م)، ناپدید می‌گردد (Ibid 1991: 249).

گاهنگاری مقایسه‌ای: مطالعات گونه‌شناسی و مقایسه‌ای حاکی از اینست که سفال‌های غارت‌مالگه به اواخر دوره مفرغ قدیم و اوایل دوره مفرغ میانه تعلق داشته و از نظر شکل ظروف و شیوه تزئینات تشابهات بسیار نزدیکی با سفال‌های مکشوفه از لایه‌های ۳-۶ شهر شاهی I (به ویژه لایه‌های ۳-۴)، طبقات BVI - BVII کارگاه B شهر شاهی، لایه‌های هم‌زمان با دوره اور III در آکروپل شوش، سفال‌های مکشوفه از لایه‌های دوره اور III محوطه نیپور و لایه‌های با تاریخ اوایل هزاره دوم ق.م تل براک در میانرودان دارد.

یکی از معیارهای مورد استناد برای گاهنگاری این محل، شیوه تزئین سفال‌هاست. عمومی‌ترین روش تزئین سفال‌های غارت‌مالگه، باندها و نوارهای برجسته و نوارهای کنده است. این روش‌ها عمومی‌ترین روش‌های تزئینی مورد استفاده سفالگران اواخر هزاره سوم و اوایل هزاره دوم ق.م سرزمین‌های پست به ویژه دشت شوشان است و در لایه‌های متعلق به این دوره شهر شاهی I (لایه‌های ۳-۶)، کارگاه B شهر شاهی (طبقات BVI و BVII) و لایه‌های هم‌زمان با دوره اور III در آکروپل، به فراوانی استفاده شده است. معیار مهم دیگری که به منظور گاهنگاری این محل مورد استفاده قرار گرفته، شکل ظروف است. شاخص‌ترین ظروف شناسایی شده در بررسی‌های غارت‌مالگه، کاسه‌های با لبه عمودی و دارای نوار فرو رفته در زیر لبه و سبوهایی دارای تزئینات کنده بر روی شانه است. کاسه‌های با لبه عمودی و دارای نوار فرو رفته در زیر لبه یکی از شاخص‌ترین گونه‌های ظروف سفالی اواخر هزاره سوم و اوایل هزاره دوم ق.م در میانرودان و شوشان است که با شروع دوره سوکالماخ در شوشان ناپدید می‌شود. نوارهای کنده روی شانه سبوها نیز، در دوره V شوش، به ویژه لایه‌های ۳-۶ شهر شاهی I به فراوانی استفاده شده است. سفال‌های غارت‌مالگه بیشترین تشابهات را با نمونه‌های مکشوفه از لایه‌های ۳-۴ (دوره VB) شهر شاهی I و سفال‌های دوره اور III آکروپل دارد. بر این اساس، تاریخ نهایی ۱۹۰۰-۲۱۰۰ ق.م را برای این محل در نظر می‌گیریم.

بحث

با ظهور سنت سفال منقوش گودین III، شاهد حضور مواد فرهنگی مرحله III₆ در سراسر مناطق زاگرس مرکزی تا دشت شوشان هستیم. سفال منقوش یکرنگ شوش IV_{A/D} c-d در سرزمین شوشان، همان سفال گودین III₆ است. وضعیت توزیع سفال این مرحله، یک حلقه ارتباطی را مابین جاده خراسان بزرگ در سرزمین‌های مرتفع و سرزمین‌های پست شوشان نشان می‌دهد (Henrickson 1986: 21). همان طوری که در قلعه‌زینل نیز دیده می‌شود، مواد فرهنگی مرحله III₆ در ۱۱ محل در دره سیمره شناسایی شده است (مظاهری، ۱۳۸۸: ۲۷۹). در دره رومشگان در شمال دره سیمره، سفال مرحله گودین III₆ در چغاسبز، میرولی، کمترلان I و کمترلان II به دست آمده است (Henrickson 1986: 14-15).

همزمان با مرحله III₅ گودین، شاهد جدا شدن شوش از سرزمین‌های مرتفع و نزدیک شدن به میانرودان آکدی هستیم (Ibid 1987_a: 209). مواد فرهنگی این مرحله گودین در دو محل در دره سیمره شناسایی شده است (مظاهری، ۱۳۸۸: ۲۸۱). در دره رومشگان در شمال دره سیمره، سفال مرحله گودین III₅ در چغاسبز، کمترلان I و کمترلان II به دست آمده است (Henrickson 1986: 14-15). در این زمان، ارتباطات سرزمین‌های مرتفع با دشت شوشان از هم گسیخته می‌شود. به احتمال قوی، آکدی‌ها برخی از دره‌های بیرونی زاگرس را نیز به تصرف خود درآورده بودند (Ibid: 23). اقدامات پیاپی برای سلطه بر جنوب غرب ایران، گذشته از این که به انتشار فرهنگ مادی میانرودان در بخش‌هایی از نواحی تحت نفوذ آنها انجامید، در واقع، بعضی از آن نواحی به ویژه شوش را مستقیماً به دنیای سیاسی آکدی‌ها الحاق کرد. از نظر سفال، شوش به شکل‌ها و شیوه‌های تزئینی میانرودان گرایش یافت و در مرحله IV_B انواع سفال معمول آکدی، جانشین گونه‌های بومی شد (پاتس، ۱۳۸۵: ۱۷۳ و ۱۷۸). در برخی قبرستان‌های منطقه آبدانان (در پشت کوه) مانند کزاب و دروند نیز مواد فرهنگی اواخر دوره آکد با تاریخ ۲۱۰۰-۲۳۰۰ ق.م به دست آمده است (Vanden Berghe 1973: 208). براساس منابع کتبی، شوش در این دوره یک شهر مرزی بوده که به طور متناوب تحت کنترل مراکز سیاسی ساکن در کوهستان‌ها شامل اوان و شیماشکی و امپراتوری‌های میانرودان شامل آکد و سلسله اور III درمی‌آمده است. تأثیرات این تغییرات تا حدودی در اسناد باستان‌شناختی منعکس شده است (Carter 1998: 317-318). مدارک باستان‌شناسی نشان می‌دهد که در اواسط هزاره سوم ق.م که به تدریج، ارتباطات شوش با نواحی مرتفع کاهش می‌یابد، این شهر در مسیر حیاتش از میانرودانی‌ترین شهرهای ایلامی به ایلامی‌ترین شهرهای میانرودانی در اواسط هزاره سوم ق.م تبدیل می‌شود و تا اواخر هزاره دوم ق.م در این وضعیت باقی می‌ماند (Ibid 1980: 31).

در بررسی‌های دره سیمره، برخلاف سایر مراحل گودین III، مواد فرهنگی مرحله گودین III₄ یافته نشده و در این زمان شاهد رواج مواد فرهنگی سرزمین‌های پست شوشان و میانرودان در دره سیمره هستیم، این در حالی است که در دره رومشگان سفال مرحله گودین III₄ در چغاسبز به دست آمده است (Henrickson 1986: 14-15). این دوره در دشت شوشان به نام مرحله شیماشکی خوانده می‌شود که سفال‌های مربوط به آن در شوشان، دهلران و میانرودان رواج داشته است. در این زمان ارتباطات دره سیمره با سنت سفال منقوش یکرنگ گودین III که در نواحی مرتفع شمالی رواج داشته از هم گسیخته می‌شود و دره سیمره به حوزه توزیع سفال‌های دوره شیماشکی دشت شوشان پیوسته و به حوزه فرهنگی تحت نفوذ سرزمین‌های پست، الحاق شده

است. این دوره هم‌زمان با دوره‌های اور III و اوایل ایسین- لارسا در میانرودان است. از زمان فرمانروایی شولگی تا زمان حکومت ایبی‌سین، شوش استانی از حکومت اور III بود. تماس با نهادهای حکومتی سرزمین‌های مرتفع، چه به شکل مسالمت‌آمیز و چه به صورت نظامی، در متون معروف به متون نامهرسان و سالنامه‌های سلسله اور III گزارش شده است (Ibid 1987a:211). به احتمال فراوان درگیری‌های پادشاهان سلسله اور III با نهادهای سیاسی واقع در قسمت‌های بیرونی سرزمین‌های مرتفع مانند زاب‌شالی، موجب شده تا شاهد اندک بودن مواد فرهنگی گونه گودین III₄ در دره‌های جنوبی زاگرس مرکزی و یافت نشدن این مواد فرهنگی در مناطقی مانند دره سیمره باشیم (Ibid 1986:24). پس از مرحله شیماشکی دوباره دره سیمره به سنت سفالگری رایج در نواحی مرتفع زاگرس مرکزی پیوسته و سفال گونه مرحله گودین III₂، در قلعه زینل و ۱۲ محل دیگر یافته شده است (مظاهری، ۱۳۸۸: ۲۸۴).

با مطالعه وضعیت توزیع سنت سفال گودین III درمی‌یابیم که سفال مرحله گودین III₂ رایج‌تر و فراگیرتر از سفال مراحل دیگر گودین III در زاگرس مرکزی است (همان: ۱۴۵). این مرحله هم‌زمان با دوره سوکالماخ در شوش است (Henrickson 1987a: 212). هنریکسون در تفسیر یافته‌های مربوط به این مرحله چنین آورده: «اوج یکپارچگی منطقه‌ای که در توزیع سفال‌های مرحله گودین III₂ دیده می‌شود، هم‌زمان با اتحاد سیاسی سرزمین‌های شیماشکی است که در متون اوایل هزاره دوم ق.م منعکس شده است، یکی شمردن پدیده باستان‌شناسی همگونی سفال‌ها و افزایش آشکار وسعت زیستگاه‌های این مرحله را با شیماشکی تاریخی؛ نمی‌توان با استفاده از داده‌های غیر مکتوب ثابت نمود. با وجود این در حدود اوایل هزاره دوم ق. م اکثر قسمت‌های مرکز غرب ایران به یکپارچگی اجتماعی- اقتصادی و شاید سیاسی قابل توجهی می‌رسد. این موضوع نشان می‌دهد که پیشرفت‌هایی که در داده‌های باستان‌شناسی گردآوری شده از مرکز غرب ایران دیده می‌شود، در واقع ممکن است نمایانگر شیماشکی باشد» (Ibid).

درباره مکان‌یابی جای نام شیماشکی نظریات مختلفی وجود دارد که نیکنامی و رفیعی آنها را به دو گروه تقسیم نموده‌اند (نیکنامی و رفیعی علوی، ۱۳۸۸: ۲۰۲). هرچند که بازه زمانی که نام شیماشکی در متون تاریخی به کار رفته است، حدود پانصد سال (۱۴۵۰ - ۲۰۴۰ ق.م) است، تقریباً سه چهارم موارد مورد استفاده آن مربوط به دوره حدوداً ۱۰۰ساله امپراتوری اور III (۱۹۱۱ - ۲۰۱۸ ق.م) است (همان: ۲۰۵). حکومت اور III علاوه بر سلطه بر شوش، با مناطق ایرانی مانند انشان و همسایگانش در فلات ایران از طریق الگوی ازدواج افراد سلسله با مقامات برجسته بومی، ارتباط برقرار نمود (پاتس، ۱۳۸۵: ۲۰۵). در این شرایط که پادشاهان حکومت اور III می‌کوشیدند تا از طریق ازدواج بین سلسله‌های حکومتی به همبستگی با بزرگان مرهشی، انشان، باشیم و زبشلی استحکام بخشند، شیماشکی رهبر ائتلاف ستیزه‌جو و بسیار قدرتمندتر ضد اور می‌شد (همان: ۲۲۵) و در نهایت حکومت اور III را منقرض نمود (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۱۱).

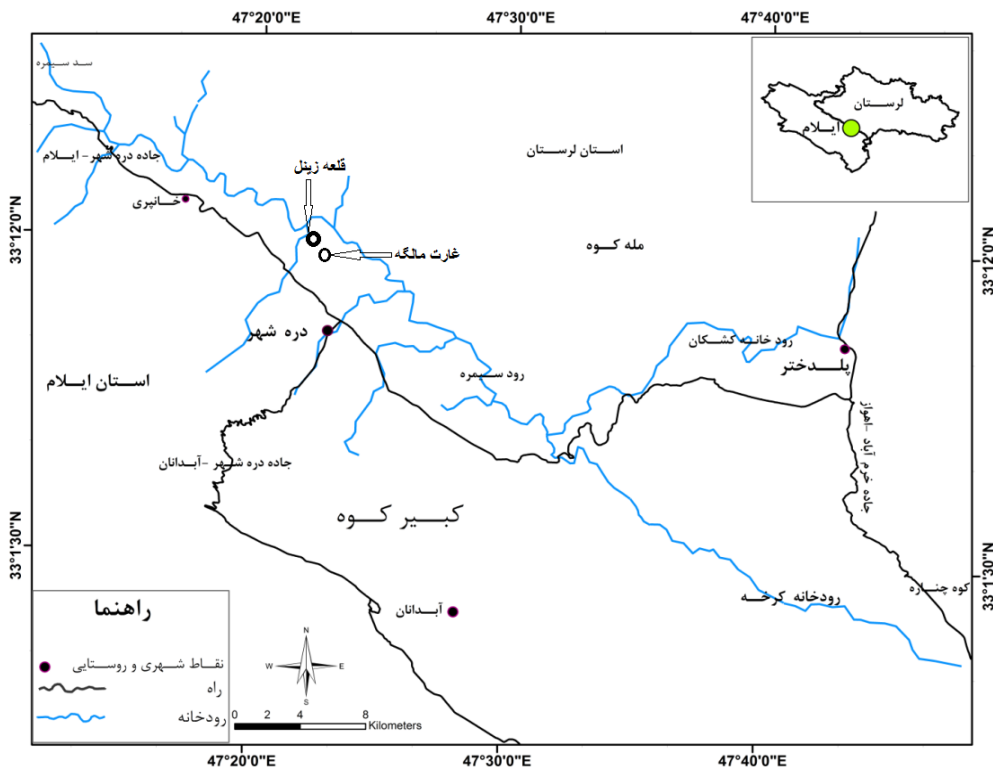
نتیجه

بررسی‌های باستان‌شناسی دره سیمره حاکی از اینست که در بیشتر دوران مفرغ، سنت سفال منقوش گودین III در این حوزه رواج داشته است و تنها در یک مرحله در روند تداوم این نوع سنت سفالگری خلل ایجاد می‌شود و آن، هم‌زمان با مرحله گودین III₄ است که شاهد حضور سنت سفالگری مناطق پست در دره سیمره

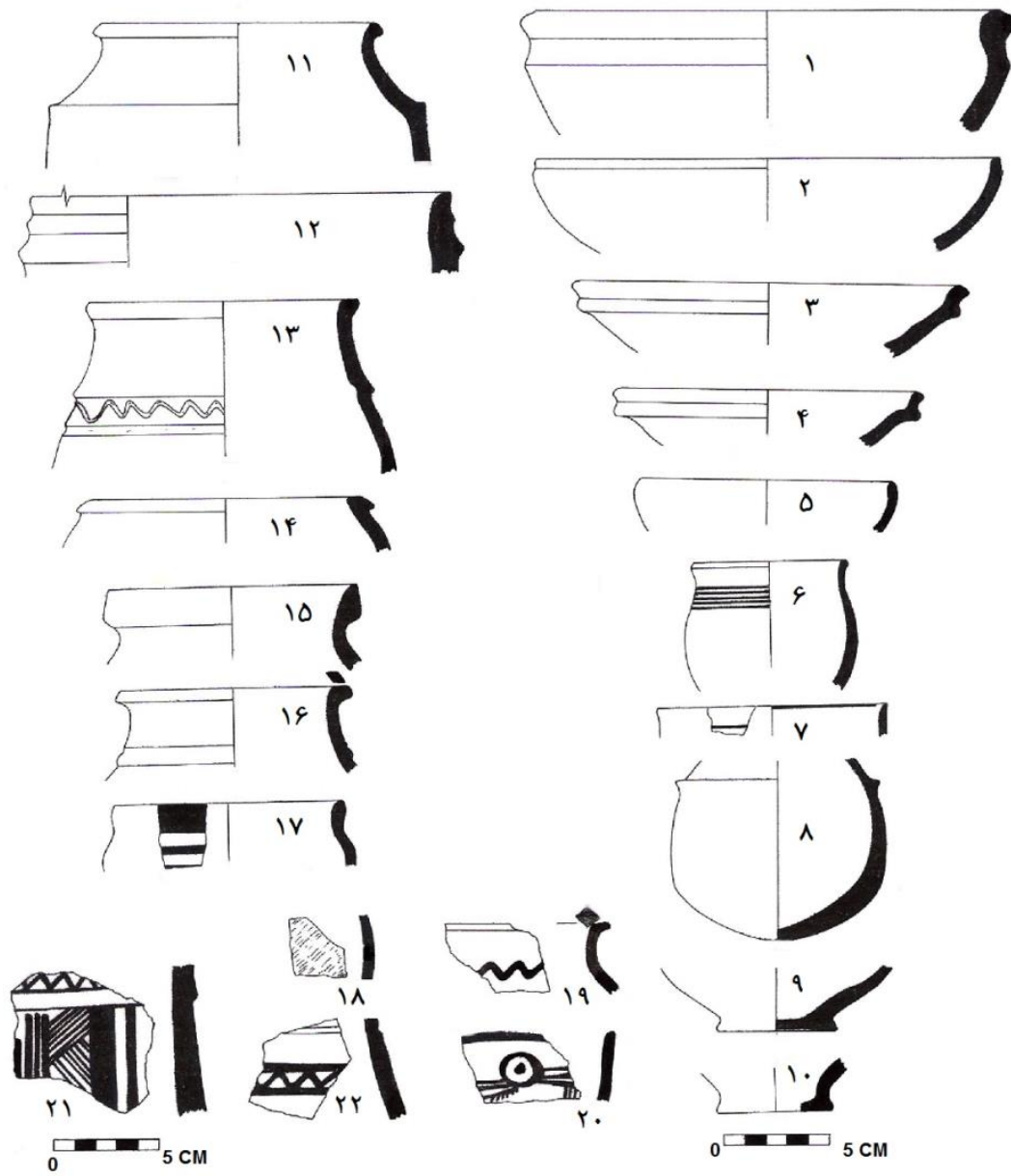
هستیم. در واقع، در بررسی‌های این حوزه، سفال‌های مراحل III₂، III₂-P، III₅ و III₆ شناسایی شده است و به جای سفال‌های مرحله III₄ شاهد حضور سفال‌های دوره شیماشکی دشت شوشان در دره سیمره هستیم که در بررسی‌های قلعه‌زینل و غارت‌مالگه نمونه‌های شاخص این نوع سفال‌ها معرفی گردید. از آن‌جا که سفال‌های مرحله گودین III₄ در دره رومشگان شناسایی گردیده است، به نظر می‌رسد که حد نهایی توسعه سفال دوره شیماشکی به رودخانه سیمره در محدوده دره سیمره منتهی می‌گردد و بیشتر از این به سمت نواحی شمالی‌تر، توسعه نیافته است. سفال دوره شیماشکی سفال رایج در نواحی شوشان، دهلران و میانرودان در این زمان است و به نظر می‌رسد که توسعه آن تا حوزه دره سیمره تحت تأثیر درگیری‌های پادشاهان سلسله اور III با نهادهای سیاسی واقع در نواحی مرتفع در شمال دشت شوشان رخ داده است و گسترش سفال دوره شیماشکی تا دره سیمره، به احتمال قوی حاکی از نفوذ و گسترش حوزه فرهنگی و شاید سیاسی سلسله اور III به دره سیمره است. به هر حال، در این زمان شاهد پدیدار شدن سنت سفال سرزمین‌های پست، در دره سیمره هستیم. بعد از این دوره، دوباره در دره سیمره سنت سفال منقوش گودین III رواج می‌یابد. روند توسعه سنت سفال منقوش گودین III در دره سیمره تا حدودی موجب تقویت نظر دانشمندانی می‌شود که معتقدند سرزمین شیماشکی در محدوده زاگرس مرکزی قرار دارد (هینتس، ۱۳۷۱: ۸۱، نیکنامی و رفیعی علوی، ۱۳۸۸: ۲۱۲ و Henrickson 1987: 212 و ...). هرچند که در نبود مدارک مکتوب، نمی‌توان این موضوع را اثبات نمود. در اینجا هم‌زمان با اوج قدرت سلسله اور III شاهد حضور سفال‌های مربوطه در دره سیمره هستیم و به تدریج با تضعیف اقتدار سلسله اور III و انقراض این سلسله به دست پادشاهان شیماشکی، مواد فرهنگی نوع گودین III₂ در دره سیمره جایگزین سفال‌های دوره شیماشکی می‌گردد و دره سیمره دوباره به سنت سفالگری رایج در ارتفاعات زاگرس مرکزی می‌پیوندد.



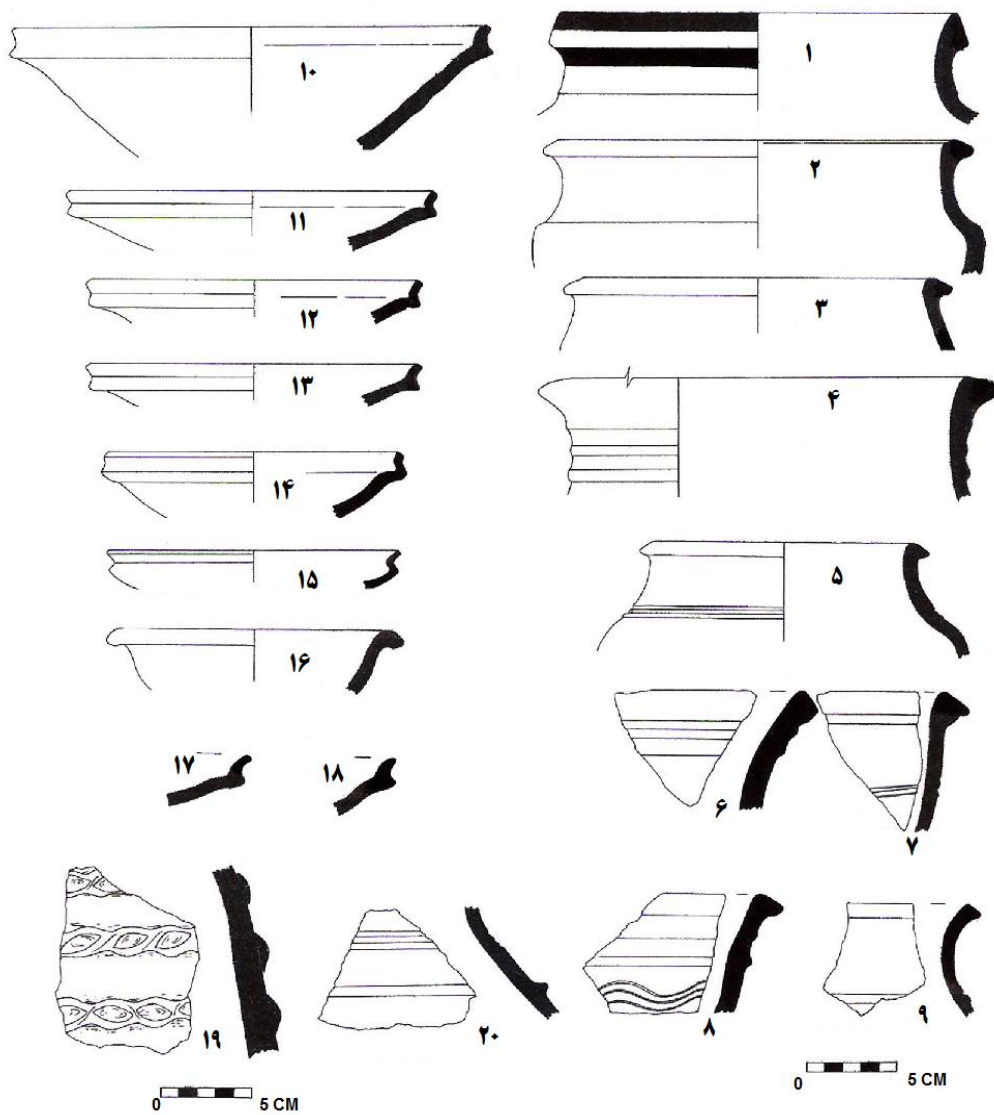
تصویر ۱: عکس هوایی از موقعیت قلعه زینل و غارت مالکه



نقشه ۱: موقعیت قلعه زینل و غارت مالکه



طرح ۱: سفال‌های قلعه زینل



طرح ۲: سفال‌های غارت‌مالگه

جدول ۱: لایه‌نگاری گودین III و مراحل که در دره سیمره شناسایی شده است

(منبع: 35: 1987_b; 205 & 214, 1987_a; Henrickson)

تاریخ تقریبی قبل از میلاد	مراحل شناسایی شده در دره سیمره	تعداد لایه‌های معماری هر طبقه	مراحل	طبقات
۱۵۰۰	//////////	۱	۱	III ₁
۱۶۰۰-۱۴۰۰	Post-III ₂		Post-III ₂	
۱۹۰۰-۱۶۰۰	III ₂	۲	۲	III ₂
	//////////	۱	۳	III ₃
۲۱۰۰-۱۹۰۰	مرحله شیماشکی	۲	۴	III ₄
۲۴۰۰-۲۲۰۰	III ₅	۱	۵	III ₅
۲۶۰۰-۲۴۰۰	III ₆	۵	۶	III ₆

جدول ۲: مشخصات فنی سفال‌های قلعه زینل

شماره طرح	توصیف (رنگ خمیره، رنگ درونی، رنگ بیرونی، شاموت، ساخت، کیفیت ساخت، پخت، تزئین)	نمونه قابل مقایسه
۱	نخودی، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی، چرخ‌ساز، معمولی، مناسب.	Henrickson1987 _b , fig. 10: 3.
۲	قهوه‌ای روشن، پوشش نخودی صورتی، پوشش نخودی صورتی، مواد معدنی و گیاهی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، صیقل شده و نوار کنده.	Henrickson1987 _b , fig. 11: 7.
۳	نخودی سیاه، پوشش نخودی نارنجی، نخودی صورتی، مواد معدنی و گیاهی، دست‌ساز، ظریف، ناقص.	Carter 1980, fig. 41: 2-4 & 49: 12.
۴	نخودی، پوشش نخودی سرخ، پوشش نخودی سرخ، مواد معدنی، دست‌ساز، ظریف، مناسب.	Gasche1973, pl.7: 8 & 24.
۵	خاکستری، پوشش خاکستری روشن، خاکستری روشن، مواد معدنی، دست‌ساز، ظریف، مناسب.	Henrickson1987 _b , fig. 11: 2-3 & 19.
۶	نخودی، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قهوه‌ای تیره.	Henrickson1987 _b , fig. 30:1 & 5, Schmidt et al. 1989, vol. 2, pl.111: k.
۷	نخودی، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی، نامشخص، ظریف، مناسب، نقش سیاه.	Henrickson1987 _b , fig. 30: 1.
۸	نخودی، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی و گیاهی، دست‌ساز، معمولی، مناسب، نوار برجسته.	Henrickson1987 _b , fig. 24:12 & 15, Schmidt et al.1987, vol. 2, pl. 95: C.
۹	نخودی، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب.	Henrickson1987 _b , fig. 29: 5 & 7-8, Schmidt et al. 1989, vol. 2, pl.109: e.
۱۰	نخودی صورتی، نخودی صورتی، پوشش نخودی، مواد معدنی، دست‌ساز، ظریف، مناسب.	Henrickson1987 _b , fig. 29: 7.
۱۱	نخودی سیاه، نخودی تیره، نخودی صورتی، مواد معدنی و گیاهی، چرخ‌ساز، ظریف، ناقص.	Goff 1976, fig. 10: 5.
۱۲	نخودی تیره، پوشش کرم روشن، پوشش کرم زرد، مواد معدنی و گیاهی، دست‌ساز، معمولی، مناسب، نوارهای برجسته.	Carter 1980, fig. 50: 9, Gasche1973, pl.16: 9-12.
۱۳	نخودی، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی و گیاهی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نوار کنده و نوار برجسته.	Steve & Gasche1971, pl. 3: 13.
۱۴	قهوه‌ای روشن، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی، نامشخص، ظریف، مناسب.	Carter 1980, fig. 50:16.
۱۵	نخودی، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی و گیاهی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب.	_____
۱۶	نخودی سیاه، پوشش قرمز، پوشش قرمز، مواد معدنی و گیاهی، چرخ‌ساز، ظریف، ناقص، نوار برجسته و نقش سیاه.	Henrickson1987 _b , fig. 23: 2.
۱۷	قهوه‌ای روشن، پوشش نخودی صورتی، پوشش نخودی صورتی، مواد معدنی، دست‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قرمز قهوه‌ای.	Henrickson1987 _b , fig. 31:1, Schmidt et al. 1989, vol. 2, pl.109: l.
۱۸	قهوه‌ای روشن، پوشش قرمز، پوشش قرمز، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب.	_____
۱۹	نخودی، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی و گیاهی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب.	Schmidt et al. 1989, vol. 2, pl. 92: s.

	نقش قهوه‌ای.	
Schmidt et al.1989, vol. 2, pl.115: a.	نخودی سبز، پوشش نخودی سبز، پوشش نخودی سبز، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش سبز زیتونی.	۲۰
Schmidt et al. 1989, vol. 2, pl.109: r.	نخودی صورتی، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی، دست‌ساز، معمولی، باند برجسته و نقش قرمز قهوه‌ای.	۲۱
Henrickson1987 ^b , fig. 25:7. Schmidt et al. 1989, vol. 2, pl. 97: b.	نخودی، نخودی، پوشش نخودی روشن، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش کنده و نقش قهوه‌ای زیتونی.	۲۲

جدول ۳: مشخصات فنی سفال‌های غارت‌مالگه

شماره طرح	توصیف (رنگ خمیره، رنگ درونی، رنگ بیرونی، شاموت، ساخت، کیفیت ساخت، پخت، تزئین)	نمونه قابل مقایسه
۱	نخودی تیره، پوشش کرم، پوشش کرم تیره، مواد معدنی و گیاهی، چرخ‌ساز، معمولی، مناسب، نقش قهوه‌ای.	Matthews 1995, fig. 21: 3, Wright 1981, fig. 84: m
۲	نخودی سیاه، نخودی زرد، نخودی زرد، مواد معدنی و گیاهی، دست‌ساز، ظریف، ناقص.	Carter 1980, fig. 42: 4.
۳	نخودی تیره، پوشش نخودی سرخ، نخودی سرخ، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب.	کارت تر ۱۳۷۶، شکل ۴۷: ۱۰.
۴	نخودی، نخودی، نخودی، مواد معدنی، دست‌ساز، معمولی، مناسب، نوارهای برجسته.	Wright 1981, fig. 84: k
۵	نخودی قهوه‌ای، پوشش نخودی سرخ، پوشش نخودی سرخ، مواد معدنی، دست‌ساز، ظریف، مناسب، نقش کنده.	Carter 1980, fig. 50: 8, Steve & Gasche1971, pl. 3: 12.
۶	نخودی، نخودی، نخودی، مواد معدنی و گیاهی، دست‌ساز، معمولی، مناسب، نوارهای برجسته.	_____
۷	نخودی، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی و گیاهی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش کنده.	Carter 1980, fig. 49: 14 & 19, Gasche1973, pl. 25: 8.
۸	نخودی تیره، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی و گیاهی، چرخ‌ساز، معمولی، مناسب، نقش کنده و نوارهای برجسته.	Wright 1981, fig. 84: g
۹	نخودی، نخودی، نخودی، مواد معدنی و گیاهی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش کنده.	Gasche1973, pl. 36: 4.
۱۰	نخودی قهوه‌ای، نخودی روشن، نخودی روشن، مواد معدنی و گیاهی، دست‌ساز، معمولی، مناسب.	Carter 1980, fig. 49:10-11, Gibson & McMahon1995, fig.19: 2 & 4.
۱۱	نخودی قهوه‌ای، نخودی نارنجی، نخودی نارنجی، مواد معدنی و گیاهی، دست‌ساز، ظریف، مناسب، دست مرطوب.	Carter 1980, fig. 41: 2 & 4, Gasche1973, pl.7: 2.
۱۲	نخودی تیره، نخودی، نخودی، مواد معدنی و گیاهی، دست‌ساز، ظریف، مناسب.	Gasche1973, pl.7: 9, Gibson & McMahon1995, fig.19: 2.
۱۳	سیاه شده، نخودی سرخ، نخودی سرخ، مواد معدنی، دست‌ساز، ظریف، ناقص.	Gibson & McMahon1995, fig.19:2.
۱۴	نخودی قهوه‌ای، پوشش نخودی تیره، پوشش نخودی تیره، مواد معدنی، دست‌ساز، ظریف، مناسب.	Steve & Gasche1971, pl. 4: 1.
۱۵	نخودی تیره، پوشش نخودی روشن، پوشش نخودی روشن، مواد معدنی و گیاهی، دست‌ساز، ظریف، مناسب.	Steve & Gasche1971, pl. 2: 31.
۱۶	نخودی سرخ، پوشش نخودی صورتی، پوشش نخودی صورتی، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب.	Gasche1973, pl. 4: 4, Steve & Gasche1971, pl. 2: 14 & Pl. 3: 9.
۱۷	نخودی قهوه‌ای، نخودی سرخ، نخودی سرخ، مواد معدنی، دست‌ساز، ظریف، مناسب.	Carter 1980, fig. 45: 6.
۱۸	سیاه شده، نخودی سرخ، نخودی سرخ، مواد معدنی، دست‌ساز، ظریف، ناقص.	_____
۱۹	نخودی سرخ، نخودی، نخودی، مواد معدنی، دست‌ساز، معمولی، مناسب، باندهای برجسته با نقش فشار انگشتی.	کارت تر ۱۳۷۶، شکل ۴۷: ۹
۲۰	نخودی تیره، نخودی، نخودی، مواد معدنی، دست‌ساز، معمولی، مناسب، نقش کنده و باند برجسته.	_____

منابع

- اشمیت، اریک (۱۳۷۶)، پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران، [ترجمه آرمان شیشه‌گر]، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، تهران.
- پاتس، دنیل، تی (۱۳۸۵)، باستان‌شناسی ایلام [ترجمه زهرا باستی]، انتشارات سمت، تهران.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۵)، سمینار بررسی مسائل جامعه‌عشایری ایران، جلد ۳، ۲-۵ تیر ۱۳۵۵، کرمانشاهان.
- شهبازی، سیاوش (۱۳۸۵)، گزارش فصل اول بررسی و شناسایی شهرستان دره‌شهر، آرشیو اداره کل سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان ایلام (منتشر نشده).
- علیزاده، عباس، «نقد و معرفی کتاب حفریات هفت‌تپه»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال ششم، شماره پیاپی ۱۱ و ۱۲، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۱، صص ۷۸ - ۸۲.
- کارتر، الیزابت، «شوش شهر شاهی»، در شوش و جنوب غربی ایران، تاریخ و باستان‌شناسی، مجموعه مقالات گردهمایی بین‌المللی شوش و سمینار باستان‌شناسی بلو، [ترجمه هایداه اقبال]، مرکز نشر دانشگاهی و انجمن ایران‌شناسی فرانسه، تهران، ۱۳۷۶، صص: ۷۱-۸۷.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۰)، تاریخ و تمدن ایلام، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- مظاهری، خداکرم (۱۳۸۵)، گزارش فصل دوم بررسی و شناسایی باستان‌شناسی دره سیمره، آرشیو جهاد دانشگاهی واحد استان ایلام (منتشر نشده).
- مظاهری، خداکرم (۱۳۸۸)، تبیین گستره جغرافیایی فرهنگ عصر مفرغ (گودین III) در زاگرس مرکزی و سنجش عوامل مؤثر در نفوذ آن به دره سیمره در استان ایلام، رساله دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، به راهنمایی دکتر حسن طلائی (منتشر نشده).
- نیکنامی، کمال‌الدین و بابک رفیعی علوی، «چرا جای نام شیماشکی احتمالاً نمی‌تواند در منطقه کرمان قرار داشته باشد»، مجله مطالعات باستان‌شناسی، سال اول، شماره نخست، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۳۸۸، صص: ۱۹۹ - ۲۱۵.
- هینتس، والتر (۱۳۷۱)، دنیای گم شده ایلام، ترجمه فیروز فیروزنیا، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- Carter, E., 1979. The Susa sequence 3000-2000 B.C. Susa, Ville Royale I", *American Journal of Archaeology*, 83: 451- 454.
- Carter, E., 1980, Excavation in Ville Royale at Susa: the third millennium B.C., Occupation, *DAFI*, 11:1-134.
- Carter, E., 1991. Ceramics VII- VIII, The early Bronze Age in south western and southern Persia, *Encyclopaedia Iranica*, 5, Fasc. 3: 294-297.
- Carter, E., 1998. The archaeology of Ilam, *Encyclopaedia Iranica*, 8, Fasc. 3: 313- 325.
- Gasche, H., 1973. *La poterie Elamite du deuxieme millenaire a.c.* MDAI. 47, Leiden and Paris, E.J. Brill and P. Geuthner.
- Gibson, M.G. and Mc Mahon, A., 1995. Investigation of the early dynastic- Akkadian transition: clave of the 18 th and 19 th seasons of excavation in area WF, Nippur, *Iraq*. LVII:1-40.
- Goff, C. L. 1976. Excavation at Babajan: the Bronze Age occupation", *Iran*, XIV: 19-40.
- Haerinck, E. and Overlaet, B. 2006, *Luristan excavation documents, vol. 6: Bani Surmah*, BAMI, The Ghent University and the Royal Museums of Art and History, Brussels.
- Henrickson, R., 1986. A regional chronology on Godin III cultural development in central western Iran", *Iran*, XXIV: 1-57.
- Henrickson, R., 1987_a. Godin III and the chronology of central western Iran circa 2600-1400 B.C., in Hole, F., (ed.), *The Archaeology of western Iran*, Washington DC: Smith Sonian institution Press, 205-227.

Henrickson, R., 1987_b. The Godin III chronology for central western Iran 2600-1400 B.C., *Iranica Antiqua*, XXII: 33-117.

Henrickson, R., 1991. Ceramics VI-VII, The Bronze Age in North Western, western and south western Persia", *Encyclopaedia Iranica*, 5, Fasc. 3: 288-294.

Matthews, R.J. 1995. Excavations at Tell Brak, 1995", *Iraq*, LVII: 87-112.

Overlaet, B. 2005, The chronology of the Iron Age in the Pusht-I Kuh, Luristan", *Iranica Antiqua*, Vol. 40: 1-33.

Schmidt, E. M. M. Van Loon, and H. Curvers, 1989. *The Holmes expedition to Lourestan*, 2 Volumes, the University of Chicago Press.

Steve, M. J., and H. Gasche, 1971. *L Acropole de Suse*, ADAI: 46, Leiden: E. J. Brill and Paris: P. Geuthner.

Stine, S.O. 1940. *Old routs in western Iran*, New York, Green Wood Press.

Vanden Berghe, L. 1973. Pusht- I kuh, Luristan", *Iran*, XI: 207-209.

Wright, H. 1981. *An early town on the Dehluran plain*, excavations at Tepe Farukhabad, Memoirs of the Museum of Anthropology, University of Michigan, No. 13.